

عنوان مقاله:

تأثیر خواندن داستان های قرآنی بر روی مهارت های ارتباطی و هویت دینی و تاب آوری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان زابل

محل انتشار:

دومین همایش ملی پژوهش های نوین در روانشناسی و علوم رفتاری (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

شمیه نخعی - استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زابل، دانشگاه آزاد اسلامی، زابل، ایران

راضیه قادرسارانی - دانشجو کارشناسی ارشد گروه روانشناسی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زابل

زهرا روزرخ - دانشجو کارشناسی ارشد گروه روانشناسی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زابل

شهلا سپاهی - استادیار و معاون آموزشی و پژوهشی و فناوری دانشگاه فنی و حرفه ای استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه فنی و حرفه ای زاهدان، ایران

خلاصه مقاله:

پیش زمینه و هدف: ارتقاء تدین و دیانت در میان دانش آموزان امری بسیار حائز اهمیت و کلیدی محسوب می گردد که می تواند نتایج کلیدی را در تربیت شخصیت های برجسته برای آینده هر کشوری به دنبال داشته باشد. پژوهش های پیشین تأثیر فاکتورهای دین داری را در مورد ویژگی های شخصیتی مورد بحث و بررسی قرار داده است، اما تا به حال پژوهشی یافت نشده است که نقش دین و مذهب را از منظر داستان های قرآن بر فاکتورهای شخصیتی افراد بررسی کند. لذا این پژوهش با در نظر گرفتن این خلا در پیشینه های پژوهش به دنبال بررسی این امر است که آیا قصص قرآنی می-تواند بر بعضی از فاکتورهای شخصیتی دانش آموزان مانند تاب آوری، مهارت های ارتباطی و هویت دینی آنان تأثیر بگذارد یا خیر مواد و روش کار: روش تحقیق پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می باشد. در این طرح دو گروه آزمودنی مورد مطالعه بوده اند به این معنی که در مرحله اول افراد به دو گروه (A و B) تفکیک شدند. در مرحله بعد یک گروه آزمایشی در معرض آموزش و مطالعه داستان های دینی قرار گرفته در حالی که گروه کنترل تحت هیچ آموزشی قرار نگرفت. پس از آموزش های یاد شده مجدداً افراد هر دو گروه تحت آزمون (پس آزمون) قرار گرفتند (پرسشنامه تاب آوری، مهارت های ارتباطی، هویت دینی). جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر متوسطه دوره اول آموزش و پرورش شهرستان زابل می باشد که بر اساس آمار اخذ شده برابر ۲۷۰ کلاس با ۵۵۰۰ نفر می باشد. با توجه به آمار موجود در آموزش و پرورش که معدل سالانه تحصیلی کلیه مدارس اخذ شده بود، با توجه به اینکه امکان جمعیت دانش آموزان از تمام مدارس شهرستان در یک فضا به جهت مشکلات اجرایی و اخذ مجوز ممکن نبود، پایه هشتم سه مدرسه که مطابق با نظر مشاوره آموزش و پرورش شهرستان احتمالاً از وضعیت ارتباطی ضعیف تری برخوردار بودند و در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند از بین مدارس شهرستان انتخاب شدند. پس از انتخاب این سه مدرسه دانش آموزان از هر مدرسه سه نفر از دانش آموزان کلاس هشتم به شکل تصادفی انتخاب شدند. یافته ها: نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان داد، مداخله آموزش قصص قرآن باعث ایجاد تغییرات آماری معناداری در بهبود مهارت ارتباطی، هویت دینی و تاب آوری دختران نوجوانان گروه آزمایش شده است بحث و نتیجه گیری: نهایتاً با توجه به نتایج بدست آمده می توان به آموزش و پرورش پیشنهاد داد که در تدوین کتب قرآنی مدارس، از وجود قصص قرآن در محتوای این کتب استفاده بیشتری شود. همچنین می توان از این پژوهش در مورد گروه های خاص مانند مراکز نگره داری کودکان بدسریست و بی سربست، مراکز و کانون های تربیت کودکان نیز استفاده کرد.

کلمات کلیدی:

داستان های قرآنی، مهارت های ارتباطی، هویت دینی، دانش آموزان، زابل

